



## «حلقات»

# درس صد و هجدهم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

در درس پیش شیوه هائی که باعث تلازم حجیت عقلائی با حجیت شرعی می شود مورد بررسی قرار گرفت. اکنون در صدد آن هستیم که در این درس که فرا روی شماست به بحث پیرامون شرط معاصرت در سیره های عقلائی که مثبت حکم شرعی کلی و موضوع حکم شرعی هستند پردازیم. این مطالب دو بخش از این درس را در بر می گیرد و در بخش پایانی به واکاوی سیره های عقلائی مبتنی بر تحلیل ذهنیات عمومی خواهیم پرداخت.

و مهما يكن الحال، فلا شك في ان معاصرة السيرة العقلائية لعصر المعصومين شرط في إمكان الاستدلال بها على الحكم الشرعى، لأن حجيتها ليست بلحاظ ذاتها، بل بلحاظ استكشاف الإمضاء الشرعى من التقرير و عدم الردع، فلكي يتم هذا الاستكشاف يجب ان تكون السيرة معاصرة لظهور المعصومين عليهم السلام لكي يدل سكوتهم على الإمضاء، و اما السيرة المتأخرة فلا يدل عدم الردع عنها على الإمضاء كما تقدم في الحلقة السابقة.

و اما كيف يمكن إثبات ان السيرة كانت قائمة فعلاً في عصر المعصومين، فقد مرّ بنا البحث عن ذلك في الحلقة السابقة.

الا ان اشتراط المعاصرة إنما هو في السيرة التي يراد بها إثبات حكم شرعى كلى، و الكشف بها عن دليل شرعى على ذلك الحكم و هي التي كنا نقصدها بهذا البحث بوصفها من وسائل إثبات الدليل الشرعى.

[السيرة المحققة لصغرى الحكم الشرعى:]

و لكن هناك نحو آخر من السيرة لا يكشف عن الدليل الشرعى على حكم كلى، و انما يحقق صغرى لحكم شرعى كلى قد قام عليه الدليل في المرتبة السابقة.

و إلى هذا النحو من السيرة ترجع على الأغلب البناءات العقلائية التي يراد بها تحليل مرتكزات المتعاملين و مقاصدهما النوعية في مقام التعامل بنحو يحقق صغرى لأدلة الصحة و النفوذ في باب المعاملات.

و مثال ذلك ما يقال من انعقاد السيرة العقلائية على اشتراط عدم الغبن في المعاملة، بنحو يكون هذا الاشتراط مفهوماً ضمناً، و ان لم يصرح به. و على هذا الأساس يثبت خيار الغبن بالشرط الضمنى في العقد، فان السيرة العقلائية المذكورة لم تكشف عن دليل شرعى على حكم كلى، و انما حققت صغرى الدليل (المؤمنون عند شروطهم) (و كل سيرة من هذا القبيل لا يشترط في تأثيرها على هذا النحو ان تكون معاصرة للمعصومين عليهم السلام، لأنها متى ما وجدت أو وجدت صغرى لدليل شرعى ثابت فيتمسك بإطلاق ذلك الدليل لتطبيق الحكم على صغراه.

## بررسی شرط معاصرت با زمان معصوم(ع) در سیره های عقلائی

سؤال:

آیا باید سیره های عقلائی معاصرت با زمان معصوم داشته باشند؟ یعنی آیا باید سیره های عقلائی در زمانی فعلیت یابد که معصوم حاضر است یا آنکه سیره هائی که بعد از زمان حضور معصوم(ع) مثل غیبت کبری هم محقق می شود، می تواند در استنباط احکام شرعی به کار رود؟

نکته :

لازم است قبل از تبیین پاسخ، این نکته را متذکر شویم که:

حکم شرعی، یک حکم کلی است بر موضوعی خاص؛ در حقیقت حکم شرعی دارای یک صغری است که موضوع قضیه را تشکیل می دهد و واجد یک کبراست که همان حکم کلی است.

تبیین نکته در ضمن دو مثال:

مثال اول : هذا خمرٌ (که این صغری و پدیدآورنده موضوع است)

و کل خمرٍ حرام (این هم یک حکم کلی است که کبرای قیاس با آن تشکیل می شود).

فهذا حرامٌ (نتیجه)

مثال دوم : بیع الکترونیک، عرفاً بیع است (صغری - موضوع حلیت)

و هر چه عرفاً بیع است، صحیح و نافذ است (حکم کلی شرعی)

پاسخ :

سیره های عقلایی که در استنباط حکم شرعی به کار می رود بر دو قسم است :

- |   |   |
|---|---|
| { | (الف) اثبات کننده کبری (حکم شرعی کلی) ⇨ معاصرت با زمان معصوم لازم است . |
| } | (ب) اثبات کننده صغری (موضوع حکم شرعی) ⇨ معاصرت شرط نیست .               |

توضیح: در سیره‌های عقلائی که حکم شرعی کلی را اثبات می‌کنند مطلقاً چه حکم شرعی واقعی (مثل حلیت بیع) چه ظاهری (مثل حجیت قول لغوی) باید شرط معاصرت لحاظ شود؛ یعنی حتماً باید معاصر زمان حضور معصوم باشد و در زمان غیبت کبری چنین سیره‌ای را نمی‌توان معیار اثبات حکم شرعی قرار داد.

مثال:

اگر می‌خواهیم مثلاً از سیره عقلاء حجیت قول لغوی را اثبات کنیم می‌بایست در زمان خود معصوم زمانی که معصوم در جامعه حضور دارد شاهد باشیم که مردم و متشرع به قول لغوی در فهم لغت رجوع می‌کنند و در میان عقلاء این سیره به حد استقرار رسیده است.

دلیل:

علت نیاز به معاصرت در این سیره‌ها این است که سیره‌های عقلائی که اثبات کننده حکم شرعی هستند، جهت دلالت بر حکم شرعی نیازمند تأیید و امضای شارع هستند و تا زمانی که این سیره‌ها از طرف شارع امضا نشود، هیچگونه حجیتی نخواهد داشت در صورتی تأیید سیره از جانب شارع اثبات می‌شود که این سه شرط محقق شده باشد:

۱. معصوم (ع) حاضر باشد.

۲. این سیره در مرآ و منظر معصوم شکل گرفته باشد.

۳. معصوم کاملاً نسبت بدان ملتفت و در دید وی باشد تا بتوانیم از سکوت او به امضا و تأیید پی ببریم.

نکته: راههای پنج گانه کشف معاصرت سیره با معصوم علیه السلام، در حلقه ثانی، ضمن بحث از وسایل اثبات وجدانی بیان گردیده است.

### بررسی سیره‌های مثبت موضوع حکم شرعی

گفته شد سیره‌هایی که مثبت حکم شرعی هستند معاصرت در آنها شرط است اما در سیره‌هایی که مثبت موضوع حکم شرعی هستند اثبات معاصرت لازم نیست.

مثلاً در پاسخ به این پرسش که : آیا بیع الکترونیک عرفاً یک بیع است یا نه؟ سخن از یک تشخیص عرفی است؛ به این معنی که آیا بیع های الکترونیک که پدیده ای است نو ظهور و قبلاً وجود نداشت و در میان عقلاء به تازگی مرسوم شده است آیا این هم عرفاً یک بیع به شمار می آید یا خیر؟

به دیگر سخن: ما از راه این سیره می خواهیم موضوع حکم شرعی را اثبات کنیم؛ موضوعی که حکمش حلیت و نفوذ است. در این گونه سیره ها شرط معاصرت وجود ندارد و نیاز نیست حتماً سیره های مُثَبَّت موضوع حکم شرعی، معاصر با زمان حضور معصوم باشد.

دلیل:

علّت عدم احتیاج این است که استفاده از این سیره ها در اثبات موضوع نیازمند به امضای شارع نیست؛ یعنی نیازی نیست که شارع مقدّس از طریق عدم ردع و سکوت اینها را تأیید و امضا کند.

### واکاوی سیره های عقلائی مبتنی بر ذهنیات عمومی

برخی سیره های عقلائی در صدد تحلیل مقاصد نوعی عقلاء (مقاصدی که در آن نوع عقلاء مشترکند) و تحلیل ذهنیات عمومی عقلاء در مورد معاملات می باشند. این سیره ها می توانند پشتیبان فقیه در فقه معاملات باشند و از این جهت، مثبت صغری و موضوع حکم شرعی هستند.

مثال:

پس از بررسی های لازم روش می شود آنچه که به شکل مرتکز برای عقلاء در هنگام معامله ثابت است غبنی نبودن معامله است که عقلاء آن را شرط ضمن عقد معامله به شمار می آورند؛ غبنی نبودن معامله بدین معناست که برای طرفین در فرض ثبوت غبن، خیار غبن ثابت است و می توان معامله را بر اساس خیار غبن، فسخ نمود.

بنابراین هر چند عقلاً صریحاً نمی گویند که : معامله نباید غبنی باشد اما به شکل شرط ضمن عقد در معاملاتشان این مطلب را لحاظ می کنند که ما خواهان معامله ای هستیم که غبنی نباشد و در آن حقّه و فریبی در کار نباشد.

اگر ریزبینانه تر به این فرایند دقت کنیم می بینیم که مرتکبات عقلائی را در هنگام معامله مورد تحلیل قرار داده ایم و ارتکازاً برای هر معامله ای شرط ضمن عقدی قرار داده ایم که عبارت است از : غبنی نبودن معامله.

از این سیره عقلاء مبنی بر غبنی نبودن معامله صغریایی به دست می آید که موضوع حکم شرعی است و عبارتست از اینکه غبنی نبودن معامله، شرط ضمن عقد است. پس از ثبوت صغری، کبرائی را که از طریق آیات و روایات به دست آوردیم به آن ضمیمه می کنیم:

صغری: غبنی نبودن معامله شرط ضمن عقد است.

کبری: و هر شرط ضمن عقدی صحیح و نافذ است.

نتیجه: غبنی نبودن معامله، شرط صحیح و نافذ است.

۱. حکم شرعی یک حکم کلی است بر یک موضوع خاص که دارای صغری و کبری است.  
مثال: هذا خمر (صغری) کل خمر حرام (کبری) هذا حرام (نتیجه)
۲. در سیره های عقلانی که کبری را اثبات می کنند معاصرت باید لحاظ شود.
۳. دلیل لحاظ معاصرت، نیاز به امضاء شارع است که اگر اولاً: در زمان حضور باشد. و ثانیاً در معرض دید معصوم باشد.  
و ثالثاً معصوم کاملاً به آن ملتفت باشد؛ تحقق می یابد.
۴. جهت کشف معاصرت پنج راه را مصنف در حلقه ثانیه ذکر کرده اند که خوانندگان رابه آنجا ارجاع می دهیم.
۵. در سیره های مثبت موضوع حکم شرعی معاصرت شرط نیست.
۶. علت عدم احتیاج به معاصرت عرفی بودن آنهاست که طبیعتاً نیازمند تأیید و امضای معصوم نیست.
۷. سیره های عقلانی که مبتنی بر تحلیل ذهنیات عمومی عقلاست جهت اثبات صغری بکار می آیند.
۸. مثال این گونه سیره ها غبنی نبودن یک معامله است که به شکل مرتکز نزد عقلاء ثابت است و معنای آن ثبوت خیار در صورت اثبات غبن است.